

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»

۲۵ می ۲۰۱۶

تفسیر احمد - ۷

ترجمه و تفسیر سوره الانشقاق - ۱

سوره الانشقاق در «مکه» نازل شده و دارای ۲۵ آیت است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱) وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ (۲) وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳) وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴) وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ (۵) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶) فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷) فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸) وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹) وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰) فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (۱۱) وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا (۱۲) إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۱۳) إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴) بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵) فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶) وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۱۷) وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸) لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ (۱۹) فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰) وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ (۲۲) وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳) فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

معلومات موجز:

سوره «الانشقاق» از جمله سوره های مکی بوده، دارای (۱) یک رکوع، (۲۵) بیست و پنج آیت، (۱۰۸) یکصد و هشت کلمه، (۴۴۸) چهار صد و چهل و هشت حرف و (۲۰۹) دوصد و نه نقطه است.

آشنایی با سوره:

این سوره مانند بسیاری از سوره ها جزء اخیر قرآن عظیم الشان بوده و به مباحث روز قیامت می پردازد. در بدو سوره به حوادث هولناک و تکان دهنده پایان جهان و شروع قیامت اشارات و تذکراتی دارد. در مرحله بعد این سوره به مسأله رستاخیز و حساب اعمال نیکوکاران و بدکاران و سرنوشت آنها و در مرحله سوم به بخشی از اعمال و

اعتقاداتی که موجب عذاب و کیفر الهی می‌شود. در مرحله چهارم بعد از ذکر سوگند هائی به مراحل سیر انسان در مسیر زندگی دنیا و آخرت اشاره می‌کند و سر انجام در مرحله پنجم باز سخن از اعمال نیک و بد و کیفر و پاداش آنهاست.

دربدو سوره به حادثه پاره شدن آسمان به عنون یکی از علائم اولین قیامت اشاره شده، سپس هموار شدن زمین و بیرون ریختن هر چه در سینه خود دارد و بر انگیزته شدن انسان و رفتنش به سوی الله و چگونگی توزیع نامه های اعمال مورد بحث قرار گرفته است.

طوری که در قرآن عظیم الشأن می خوانیم: «و این که رستاخیز آمدنی است، و شگی در آن نیست و خداوند تمام کسانی را که در قیرها هستند زنده می‌کند» (سوره حج، ۷)

- در قرآن کریم آمده است: «وزن کردن (اعمال، و سنجش ارزش آنها) در آن روز، حق است! کسانی که میزان های (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند! و کسانی که میزان های (عمل) آنها سبک است، افرادی هستند که سرمایه وجود خود را، به خاطر ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما می‌کردند، از دست داده‌اند» (سوره اعراف، ۸ - ۹).

- پروردگار ما در مورد این روز محاسبه و حسابرسی می فرماید: «حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلت اند و روی گردانند. (سوره ص ۱۱۷ - ۱۱۸)

همچنان در مورد تقسیم اعمال نامه ها می فرماید: «و در آن هنگام که نامه های اعمال گشوده شود (سوره تکویر، ۱۰) مطابق حکم قرآنی، انسان ها در روز قیامت هنگام گرفتن نامه اعمال به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که نامه اعمالشان را به دست راست شان می‌دهند؛ گروه دیگری که نامه اعمالشان را از پشت سر به دست چپ شان می‌دهند. گروه اول شادمان و دارای حسابرسی آسان و اهل بهشت هستند. اما گروه دوم، اهل جهنم می‌باشند (که به این موضوع در آیات، ۷ - ۱۲ بحث صورت گرفته است)

همچنان پل صراط، پلی است که بر روی جهنم کشیده می‌شود و تمام بندگان خداوند باید از روی آن عبور کنند تا اگر جنتی است، داخل جنت شود. چنان که خدای متعال می فرماید: «و همه شما (بدون استثناء) وارد جهنم می‌شوید این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت. (سوره مریم، ۷۱)

وجه تسمیه:

این سوره بدان جهت «الانشقاق» نامیده شد که خداوند جل جلاله آن را با این فرموده اش: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ» که اعلام شکافتن آسمان است، آغاز کرده است؛ پدیده‌ای که خود نشانه ویرانی جهان و برپائی خوف و ترس عظیم روز قیامت می‌باشد.

فضیلت سوره:

در مورد فضیلت این سوره در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: با رسول الله صلی الله علیه و سلم در هنگام تلاوت: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ و اَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» سجده کردیم.

ترجمه موجز:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

«إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ» (۱) (در آن هنگام که آسمان پاره ، پاره شود)
«وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ» (۲) (و تسلیم فرمان پروردگارش شود ، و همین «سزاوارش» باشد)
«وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ» (۳) (و در آن هنگام که زمین گسترده شود،)
«وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» (۴) (و هر آنچه در درون آن است بیرون افکنده و تخلیه شود،)
«وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ» (۵) (و به فرمان پروردگارش گوش نماید ، و همین سزاوارش باشد)
«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (۶) (ای انسان! بی گمان تو با تلاش سختی به سوی پروردگارت می‌روی ، پس او را ملاقات خواهی کرد!)
«فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ» (۷) (پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود،)
«فَسَوْفَ يَحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا» (۸) (بزودی محاسبه خواهد به محاسبه آسانی)
«وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (۹) (و خوشحال به اهل و خانواده‌اش بازمی‌گردد.)
«وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ» (۱۰) (و اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود،)
«فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا» (۱۱) (بزودی فریاد می‌زند وای بر من که هلاک شدم!)
«وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا» (۱۲) (و در شعله‌های سوزان آتش می‌سوزد.)
«إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (۱۳) (بی گمان که او میان اهلس بود شادمانی)
«إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَخُورَ» (۱۴) (او گمان می‌کرد که هرگز بازگشت نمی‌کند!)
«بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا» (۱۵) (آری، پروردگارش نسبت به او بینا بود (و اعمالش را برای حساب ثبت کرد!)
«فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ» (۱۶) (پس نه چنین است ، قسم به شفق)
«وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ» (۱۷) (و قسم به شب و آنچه را جمع‌آوری می‌کند،)
«وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ» (۱۸) (و قسم به ماه آنگاه که بدر کامل می‌شود،)
«لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبِقٍ» (۱۹) (حتماً بالا روید از طبقه ای به طبقه ای)
«فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (۲۰) (پس چیست آنان را که ایمان نمی‌آورند؟!)
«وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ» (۲۱) (و چون قرآن بر آنها خوانده می‌شود سجده نمی‌کنند؟!)
«بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ» (۲۲) (بلکه کافران پیوسته آیات الهی را انکار می‌کنند!)
«وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ» (۲۳) (و خداوند آنچه را دردل پنهان می‌دارند به خوبی می‌داند!)
«فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (۲۴) (پس آنها را به عذابی دردناک بشارت ده!)

بشارت:

در قرآن عظیم الشان و لغت، کلمه «بشارت» در خبر مسرت بخش (مژده دادن) خوشی و اندوه بخش (غم) هر دو به کار رفته و می رود، اما طبق قرائن یکی از این دو معنا مشخص می شود. (قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، جلد ۱، صفحه ۱۹۴)

خود کلمه «بشارت» (بشارة) در قرآن عظیم الشان نیامده، اما مشتقات آن ذکر شده است؛ مانند «بشری»: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ»؛ (آل عمران، ۱۲۶). خدا آن را (یاری فرشتگان) برای شما بشارت و خیر شادی بخش قرار داد. کلمه «بشری» در این آیات و مانند آن به معنای خبر مسرت بخش و مژده به کار رفته است. اما کلمه «بشّر» در قرآن کریم، به هر دو معنای بشارت آمده است؛ مانند: «بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ

جَنَاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»؛ (سوره بقره: ۲۵) به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغ‌هایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. کلمه «بَشْر» در این آیت، به معنای مزده و خبر شادمانی آمده است. «بَشْرِ الْمُنَافِقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ (سوره نساء: ۱۳۸) به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنها است. «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» در این آیات، کلمه «بَشْر» به معنای خبر اندوه بخش بوده که استعمال این کلمه، یک نوع استعاره و یا تحکم است؛ یعنی، غیر از عذاب هیچ چیز دیگری برای آنان نیست؛ زیرا چون موعظه و پند و نصیحت در دل‌های کفار و بت پرستان هیچ‌گونه اثری نمی‌گذارد، خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده: «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» که به آنان عذاب دردناک و عقوبت را اعلام نماید، و نوعی طعن و سرزنش است.

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (۲۵) (مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، که برای آنان پاداشی است قطع‌نشده!)

توضیح و تفسیر کلمات:

«إِنْشَقَّتْ»: شکافت (مراجعه شود: سوره حاقه / ۱۶، سوره انفطار / ۱).

«أَذِنْتُ»: گوش فرا داد و فرمان برد. امثال نمود.

«حُقَّتْ»: سزاوار و شایسته همین است. بر آن واجب شده که منقاد و فرمانبردار باشد

«مُدَّتْ»: کشیده و گسترده شد. هدف دوچیز است:

۱- از میان رفتن پستیها و بلندیها و تبدیل زمین به پهنه و گستره فراخ و یکپارچه‌ای. ۲- گسترده‌تر و فراختر شدن زمین تا برای خلاق اولین و آخرین گنجایش پیدا کند.

«أَلْفَتْ»: پرتاب کرد. بیرون افکند.

«تَخَلَّتْ»: خالی گردید.

«أَذِنْتُ...»: این حوادث عظیم که با تسلیم کامل همه موجودات توأم است، بیانگر مرحله نوین هستی است. جواب (اذا) محذوف است و جمله‌ای این چنین است: انسان نتیجه اعمال خوب و بد خود را می‌بیند. برخی آیت بعدی را متضمن جواب (اذا) می‌دانند.

«كَادِحٌ»: تلاشگر رنجبر. «كُدْحًا»: جدّ و جهد در کار همراه با رنج و تعب، به گونه‌ای که در جسم و جان اثر بگذارد.

«إِلَى رَبِّكَ»: این آیت، بیانگر ذات جويا و کوشای انسان و حرکت دائمی این رهرو رنجبر نالان در کاروان جهان گذران به سوی یزدان سبحان است.

«فَمَلَأْنِيهِ»: به پروردگار خود می‌رسی. به نتیجه تلاش و رنج خود می‌رسی. ضمیر (ه) به رَبِّ یا كُدْحِ برمی‌گردد.

«كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ»: (مراجعه شود به سوره: اسراء / ۷۱، و سوره حاقه / ۱۹).

«سَوَّفَ يَحَاسِبُ»: محاسبه و رسیدگی خواهد شد.

«أَهْلِهِ»: خویشان و کسان او. مراد مؤمنان است.

«وَرَأَى ظَهْرَهُ»: پشت سرش. اشخاص کافر و گناهکار نامه اعمال خود را از پشت سر و با دست چپ دریافت می‌دارند. چنین کاری بیانگر بیزاری ایشان از این نامه شوم و پرونده بدشگون است (مراجعه شود به سوره: حاقه / ۲۵).

« يَدْغُو » : فریاد می‌دارد . می‌طلبید . الف زائدی در رسم الخط قرآنی در آخر دارد .

« نُبُوراً » : هلاک و نابودی (مراجعه شود به سوره : فرقان / ۱۳ و ۱۴) .

« يَصْلَى » : به آتش وارد می‌گردد و بدان می‌سوزد (مراجعه شود به سوره : نساء / ۱۰ ، سوره ابراهیم / ۲۹ ، سوره اسراء / ۱۸۹) .

« سَعِيرًا » : آتش سوزان و شعله‌ور . دوزخ .

« أَهْلِيهِ » : خانواده و خویشان خود . دوستان و همدمان خود .

« كَانٌ . . . مَسْرُورًا » : مراد سُرور ناشی از شهوتها و غفلتها ، و لَدَّت حاصل از کفر و گناه است .

« لَنْ يُحَوَّرَ » : باز نمی‌گردد . مراد این است که به معاد باور نداشته است و معتقد به رستاخیز و حساب و کتاب اخروی و بهشت و دوزخ نبوده است .

« فَلَا أُفْسِمُ » : (مراجعه شود به سوره : واقعه / ۷۵ ، سوره حاقه / ۳۸ ، سوره معارج / ۴۰) .

« الشَّقَقِ » : سرخی کناره آسمان در افق مغرب ، در آغاز غروب آفتاب .

« وَسَقَّ » : فرا گرفت . جمع کرد .

منظور از «شفق» در این سوره همان روشنی آمیخته با تاریکی در آغاز شب است و از آنجا که ظهور شفق خبر از يك حالت تحول و دگرگونی عمیق در جهان می‌دهد و اعلام پایان روز و آغاز شب است و زیبایی خاصی دارد و از همه گذشته وقت نماز مغرب است، خداوند به آن سوگند یاد فرموده تا همگان را وادار به اندیشه در این پدیده زیبای آسمانی کند.

« اِنْسَقَّ » : جمع گردید . جمع و جور شد . گرد و تمام شد . مراد کمال نور ماه در شب چهارده است که ماه در این حالت فروغ و زیبایی خاصی دارد .

« لَنْزُكِبَنَّ » : قطعاً حال به حال می‌گردید و احوال و اوضاع گوناگونی را پشت سر می‌گذارید .

« يَكْدُبُونَ » : به کار بردن فعل مضارع ، برای استمرار است و گواه بر این معنی که کافران در تکذیبهای خود اصرار داشته و دارند .

« يَوْعُونَ » : نگاه می‌دارند . در ظرف دلها پنهان می‌نمایند و به دل می‌گیرند (مراجعه شود به سوره: معارج / ۱۸ ، سوره حاقه / ۱۲) . (مأخذ تفسیر: نور)

ادامه دارد